درس 28

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
مزامير
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (مزامير 141، 143، 145، 146)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد. يادداشت برداريد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: عظمت خدا
دو به دو مرور كنيد. عظمت خدا 4: خدا همه چيز را مي‌داند. عبرانيان 4: 13.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 7: 14-25
مقدمه: در روميان 7:14-25، پولس تعليم مي‌دهد كه در فرد مسيحي، نبردي روحاني و اخلاقي جريان دارد. مي‌توان گفت كه فرد مسيحي داراي دو طبيعت است: يك طبيعت گناهكار و يك طبيعت داراي تولد تازه. طبيعت گناهكار طبيعت واقعي او نيست، با اينحال قدرتي است كه اغلب او را اسير مي‌سازد. فرد مسيحي بارها و بارها مرتكب برخي گناهان مي‌شود، اما آرزو دارد كه از اين گناهان آزاد شود. احكام اخلاقي نمي‌تواند او را از قدرت و تباهي گناه رهايي دهد! پولس از تجربه خود، به تشريح عدم كفايت شريعت براي تقدس (تقديس) مي‌پردازد! در اين نبرد دروني ميان گناه و تقدس، هيچ شريعت و حكمي نمي‌تواند به فرد مسيحي ياري دهد. يگانه اميد براي پيروزي در اين نبردي كه ميان طبيعت گناهكار و طبيعت داراي تولد تازة او جريان دارد، فيض عيسي مسيح خداوند است.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 7:14-25 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1. در روميان 7:14-20 براي من حقيقت مهمي وجود دارد. شريعت چه كاري نمي‌تواند انجام دهد. شريعت گرچه مقدس و عادل و نيكو است، اما نمي‌تواند فرد مسيحي را مقدس و عادل و نيكو سازد.
مسيحيان در طبيعت بشري خود داراي دو جنبه مي‌باشند. يك جنبه «جسم» ناميده مي‌شود (7: 18)، يعني طبيعت گناه‌آلودشان كه ناكامل و ضعيف و فاني است. جنبه ديگر «ذهن» ناميده مي‌شود (شريعت ذهن، انسانيت باطني) (7:ـ 22،ـ 25)، يعني طبيعت داراي تولد تازة ايشان كه از درون تحت كنترل روح‌القدس است و از بيرون تحت كنترل شريعت اخلاقي خدا. روميان 7:14-25 توصيف‌كنندة نبرد ميان طبيعت گناه‌آلود فرد مسيحي است كه از آدم به ارث برده، و طبيعت داراي تولد تازة او كه از مسيح دريافت داشته است (ر.ش. 5:17-19). طبيعت گناه‌آلود و طبيعت داراي تولد تازه هر دو در جان (روح) و بدن فرد مسيحي ساكنند.
در روميان 7:14-15، پولس استدلال مي‌كند كه شريعت قادر به تقديس فرد مسيحي نيست. اين امر به علت ماهيت شريعت اخلاقي نيست، بلكه به علت طبيعت گناه‌آلودي است كه هنوز در مسيحيان

ساكن است. شريعت در ماهيت خود روحاني است، زيرا آشكاركنندة طبيعت و ارادة خداست، طبيعت و اراده‌اي كه مقدس و عادل و نيكو است (7:12). اما طبيعت گناه‌آلود مسيحيان غيرروحاني است، يعني زيرا مطيع خدا و ارادة مقدس و عادل و نيكوي او نمي‌شود و نمي‌تواند هم بشود. غيرمسيحيان خود را بارها و بارها داوطلبانه تسليم مي‌كنند تا بنده طبيعت گناه‌آلودشان شوند (به زمان حال فعل توجه كنيد، وجه معلوم) (6:16)، اما مسيحيان به‌گونه‌اي ناخواسته به طبيعت گناه‌آلود خود فروخته شده‌اند (ماضي نقلي، وجه مجهول) (7:14). مسيحيان به ميل خويش خود را به بندگي گناه نمي‌سپارند، اما طبيعت گناه‌آلودشان در موقعيت يك شخصِ فروخته شده مي‌باشد، و اعمال ايشان همواره بيانگر تمايل دروني‌شان نيست (7:14؛ ر.ش. اسيرِ طبيعت گناه‌آلودشان، 7:23). مسيحيان اغلب مايلند كارهاي نيك انجام دهند، اما طبيعت گناه‌آلودشان چنان قدرتمند بر عليه آنان كار مي‌كند كه بجاي آن، مرتكب اعمال بد مي‌شوند (7:15).

هدف روحاني و اخلاقي پولس چيزي كمتر از كمال نيست (ر.ش. فيليپيان 3:12-14؛ ر.ش. متي 5:48؛ عبرانيان 12:14). اما در پايان هر روز، وقتي پولس زندگي خود را ارزيابي مي‌كند، پي مي‌برد كه از معيار خدا براي كمال بسيار قاصر است و از كارهاي شريرانه‌اي كه مرتكب شده است، بيزار مي‌باشد. او پي مي‌برد كه هدفش بسيار بالاتر از آن چيزي است كه عملاً بتواند به آن برسد.

در روميان 7:16-20، پولس چندين نتيجه مهم مي‌گيرد. نتيجه مي‌گيرد كه مسيحيان گرچه از تجاوز از احكام اخلاقي خدا متنفرند، با اينحال مي‌پذيرند كه احكام اخلاقي خدا نيكو مي‌باشند (7:16). نتيجه مي‌گيرد كه اعمال گناه‌آلودي كه مسيحيان انجام مي‌دهند، ديگر معيار و ضابطة خصائل واقعي‌شان نيست (7:17). اعمال گناه‌آلود ايشان قطعاً اعمال خود ايشان است. اما وقتي اين اعمال گناه‌آلود با توافق كاملِ طبيعتِ برخوردار از تولد تازه‌شان انجام نمي‌شود، ديگر نمايانگر طبيعت كامل انساني مسيحيان يا وضعيتِ واقعي ايشان نيست. نتيجه مي‌گيرد كه اعمال گناه‌آلود كه مسيحيان اغلب مرتكب مي‌شوند، فقط تأئيدكنندة اين امر است كه هيچ چيز خوب يا مفيدِ روحاني يا اخلاقي در طبيعت گناه‌آلودشان ساكن نيست (7:ـ 18-20). گرچه احكام اخلاقي حكم مي‌كنند كه شخص مسيحي چه بايد بكند و طبيعت برخوردار از تولد تازة مسيحيان مشتاق است كه طبق احكام اخلاقي عمل كند، اما احكام اخلاقي قادر به نابودي طبيعت گناه‌آلود در مسيحيان نيست! هرگاه خدا حكم مي‌كند كه شرارت خاصي نبايد انجام شود، حكم اخلاقي خدا بطور خودكار تمايل موجود در مسيحيان براي انجام آن كار را از ميان نمي‌برد.

نتيجه. احكام اخلاقي نمي‌تواند به مسيحيان در جدالي كه ميان طبيعت گناه‌آلود و طبيعت برخوردار از تولد تازة ايشان درگير است، كمكي بكند. احكام اخلاقي قادر نيست فرد مسيحي را مقدس و عادل و نيكو بسازد.

كشف 2ـ در روميان 7:21-25 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. آنچه شريعت نمي‌تواند انجام دهد. مسيحيان گرچه در احكام اخلاقي خدا شادي مي‌كنند، اما فقط فيض خدا مي‌تواند ايشان را از سلطة مطلقِ طبيعت گناه‌آلودشان رهايي دهد.

در روميان 7:21-25 پولس نتيجه‌گيري نهايي خود را بيان مي‌دارد. كشمكش مسيحيان ميان طبيعت گناه‌آلودشان كه از آدم دريافت داشته‌اند، و طبيعت برخوردار از تولد تازه‌شان كه از مسيح دريافت داشته‌اند، مي‌باشد. مسيحيان با طبيعت برخوردار از تولد تازه خود (يعني انسانيت باطني، ذهن، شريعت ذهن)، همواره به احكام اخلاقي خدا خشنودند (زمان حال) (7:22). اما بزودي و با دردمندي در مي‌يابند كه طبيعت گناه‌آلود يا تباه‌شده‌شان مكرراً بر عليه طبيعت برخوردار از تولد تازه‌شان به مبارزه بر مي‌خيزد (زمان حال) و باعث مي‌شود ايشان احساس كنند كه اسير هستند. طبيعت گناه‌آلود نه فقط بر عليه فرد مسيحي مي‌جنگد، بلكه اغلب بر او پيروز مي‌شود (7:23)! اين طبيعت گناه‌آلود جان و بدن مسيحيان را اسير مي‌سازد و ايشان را مطيع نفوذ فاسد و نيرومند خود مي‌گرداند. قدرت طبيعت گناه‌آلود هنوز آنقدر زياد است كه مسيحيان نمي‌توانند با قدرت اراده يا كوشش خود بر آن غلبه يابند (ر.ش. 7:15،23). مسيحيان غلام داوطلبانة طبيعت گناه‌آلود خود نمي‌شوند، بلكه در واقع قرباني تيره‌بخت آن مي‌گردند. تا زماني كه مسيحيان در بدن فيزيكي كنوني خود زندگي مي‌كنند، غلامان بي‌ميل و ناخواستة طبيعت گناه‌آلود خود باقي مي‌مانند. تا زماني كه مسيحيان در بدن فيزيكي كنوني خود زندگي مي‌كنند، طبيعت گناه‌آلودشان حاضر است و سلطة روح‌القدس هرگز در آنان تمام و كمال نخواهد بود. بدن فيزيكي مسيحيان «جسم موت» خوانده شده است (7:24)، زيرا بدن فيزيكي‌شان هنوز در حوزه‌اي است كه طبيعت گناه‌آلودشان بطور خاص عمل مي‌كند، كه باعث مرگ روحاني و سرانجام مرگ جسماني مي‌گردد.

احكام يا شريعت اخلاقي به‌خودي خود فقط سبب مي‌شود كه مسيحيان از وضعيت نوميدكننده و تباه‌شدة خود آگاه گردند. آن ايشان را وا مي‌دارد تا در مبارزه خود بر عليه طبيعت گناه‌آلود خود، پيروزي را در يگانه جايي جستجو كنند كه قابل كسب است و آن همان مسيح است (7:25). فقط عيسي مسيح مي‌تواند به كمك مسيحيان بشتابد و چنين نيز خواهد كرد (زمان آينده حاكي از قطعيت) تا ايشان را از «جسم موت» برهاند (7:24). او يك بار و براي هميشه طبيعت كهنه و فاقد تولد تازه ايشان را مصلوب كرده است (زمان نقلي) (6:6). يك بار و براي هميشه ايشان را از گناه رهايي داده است (زمان نقلي) و ايشان غلامان عدالت (6:ـ 18) و خدا (6:22) گشته‌اند. اما او بارها و بارها خواهد آمد تا مسيحيان را از عمل نيرومند طبيعت گناه‌آلودشان برهاند. و او به‌هنگام بازگشت خود، ايشان را قاطعانه و بطور كامل و براي هميشه از طبيعت گناه‌آلودشان رهايي خواهد داد (7:24).

نتيجه. كشمكش مسيحيان ميان طبيعت گناه‌آلودشان كه از آدم دريافت داشته‌اند، و طبيعت برخوردار از تولد تازه‌شان كه از مسيح دريافت داشته‌اند، مي‌باشد. طبيعت گناه‌آلود فرد مسيحي نيرويي است كه او نمي‌تواند خودش را از آن برهاند. او مكرراً طبيعت گناه‌آلود خود را بندگي خواهد كرد. اما طبيعت برخوردار از تولد تازة مسيحيان نيز نيرويي است، زير در آنان روح‌القدس زندگي مي‌كند! بنابراين، مكرراً احكام اخلاقي خدا را نيز بندگي خواهد كرد. پولس به‌سادگي اين وضعيت كنوني را نمي‌پذيرد. او عميقاً متقاعد است كه عيسي مسيح او را از اين وضعيت رهايي خواهد داد. لذا، او خود را موظف مي‌بيند كه عليه اين طبيعت گناه‌آلود بجنگد و اعمال بد آن را به‌واسطة قدرت روح‌القدس بكشد (ر.ش. 8:ـ 13؛ غلاطيان 5:16-26).

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 7:14-25 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)
(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (7:14-26). كدام مرحله از تجربه شخصي پولس در اينجا به تصوير كشيده شده است؟ آيا اين تجربة كسي است كه تولد تازه دارد يا فاقد تولد تازه است؟

يادداشتها.
بعضي هستند كه معتقدند روميان 7:14-26 نمي‌تواند تجربة يك ايماندار برخوردار از تولد تازه باشد. اينان استدلال خود را بر پاية اين جمله قرار مي‌دهند: «من جسماني... هستم» (7:14) و نيز بر پاية تضاد ميان فصل 7 روميان از يك سو و فصل‌هاي 6 و 8 روميان از سوي ديگر.
مع‌هذا پولس در روميان 7:14-26 تجربة يك ايماندار برخوردار از تولد تازه را توصيف مي‌كند.

الف) پولس در خصوص خود، فروتن و واقع‌بين است.
پولس در مقام يك مسيحي تولد تازه يافته، خود را «كهترين رسولان» (اول قرنتيان 15:9)، «كمتر از كمترين مقدسين» (افسسيان 3: 8)، و «بزرگترين گناهكاران» مي‌خواند. همچنين خود را «مرد شقي» (7:24) توصيف مي‌كند تا آن زمان كه هنوز از طبيعت تباه‌شدة خود كاملاً رهايي نيافته، كه اين نيز فقط زماني رخ خواهد داد كه عيسي مسيح را رو در رو ببيند (ر.ش. اول يوحنا 3:1-3؛ فيليپيان 3: 8-14).

ب) روميان 7:14-26 بيشتر توصيف يك ايماندار است تا يك بي‌ايمان.
گفته‌هاي پولس در روميان 7:14-25 بيشتر احتمال دارد كه گفته‌هاي يك شخص برخوردار از تولد تازه باشد تا شخصي فاقد آن. ممكن نيست كه شخصي فاقد تولد تازه بگويد: «بر حسب شريعت باطني به شريعت خدا خشنودم» (7:16،22)، يا «از گناه نفرت دارم و از گناهان خود پشيمانم» (7:15،19،24)، يا «آرزو دارم آنچه را كه نيك است انجام دهم» (7:18،19،21). ممكن نيست كه شخصي فاقد تولد تازه بمانند پولس خدا را به‌وساطت عيسي مسيح سپاس گويد (7:25؛ ر.ش. اول قرنتيان 12:3). روشن است كه در روميان 7:14-25، پولس تشريح مي‌كند كه ضعف مسيحيان چه بزرگ است. به‌منظور تقديس شدن، به نيرويي بس بزرگتر در بيرون از خود نياز دارند تا طبيعت گناه‌آلودِ درونِ خود. نياز آنان فقط عيسي مسيح و روح‌القدس او است!

ج) تفاوت بزرگي هست ميان روميان 7:14-26 و روميان 7:5و9 a .
زماني كه پولس فاقد تولد تازه بود، در جسم (طبيعت گناه‌آلود) زندگي مي‌كرد و براي موت ثمر مي‌آورد (7:5؛ ر.ش. غلاطيان 5:19-21). وقتي او بدون شريعت مي‌زيست، به شريعت خدا توجهي جدي نشان نمي‌داد، شريعت باعث برانگيخته شدنِ هوس‌هاي گناه‌آلود در طبيعت گناه‌آلودش نمي‌شد و زندگي بدون دغدغه و همراه با رضايت از خويشتن داشت و خود را عادل مي‌پنداشت، و از مجازات الهيِ گناهان هراسي به خود راه نمي‌داد (7:9 a)!
روميان 7:5،9 a توصيف‌كنندة شخصي است فاد تولد تازه. روميان 7:7-13 به احتمال زياد تجربه پولس را درست پيش از توبه و بازگشتش، و در طول آن، و اندكي پس از آن توصيف مي‌كند. تغيير زمان گذشته به زمان حال در اين آيات و در سراسر روميان 7:14-25، بايد اشاره‌اي باشد به تغييري عميق در يك شخص فاقد تولد تازه كه اكنون تولد تازه مي‌يابد! پولس در روميان 7:14-26 ضعف و كشمكش ايمانداران را تشريح مي‌نمايد كه مادام كه در اين جهان در بدن فاني كنوني‌شان زندگي مي‌كنند، با آن درگيرند!

د) ميان روميان 7:14-26 و روميان 6:18،22 تضادي نيست.
ايماندار برخوردار از تولد تازه در آن واحد هم گناهكار است و هم مقدس.

1- او از يك سو «زير گناه فروخته شده» است (7:14)، يعني طبيعت گناه‌آلودش چنان نفوذ و قدرتي بر زندگي‌اش دارد كه هنوز نمي‌تواند زندگي كامل و بدون گناهي داشته باشد (ر.ش. متي 6:12؛ اول يوحنا 1:8-10؛ 2:1-2). طبيعت گناه‌آلود يا تباه‌شده هنوز قدرتي است كه مي‌خواهد اِعمال نفوذ كند و ايماندار را تحت كنترل در آورد (7:21،23،25). طبيعت گناه‌آلود بارها و بارها به روح‌القدس كه در ايماندار زندگي مي‌كند، حمله‌ور مي‌شود و مي‌كوشد ايماندار را به شيوهٔ قديمي زندگي‌اش باز گرداند (7:23 a ؛ ر.ش. غلاطيان 5:17). طبيعت گناه‌آلود (شريعت گناه) ايماندار را اغلب اسير خود مي‌سازد (7:23 b). طبيعت گناه‌آلود آنقدر نيرومند است كه ايماندار نمي‌تواند با نيروي اراده يا تلاش خود در برابر او بايستد. پولس نمي‌گويد كه طبيعت گناه‌آلود همواره غالب مي‌شود، اما مي‌گويد كه طبيعت گناه‌آلود يا تباه‌شدهٔ انسان نيرويي است كه انسان نمي‌تواند خود را از آن رهايي دهد و غالباً انسان را بر خلاف ميل و اراده‌اش مغلوب مي‌سازد.
2- از سوي ديگر، او يك بار براي هميشه نسبت به گناه مرده است (زمان گذشته، 6:2)، براي هميشه از گناه عادل شمرده شده است (زمان نقلي، 6:7)، يك بار براي هميشه از گناه آزاد شده است (زمان گذشته، 6:18،22) و يك بار براي هميشه غلام عدالت (زمان گذشته 6:18) و غلام خدا (زمان گذشته، 6:11) گشته است. او فرمان يافته كه هرگز به گناه اجازه ندهد كه اربابش شود (زمان حال، امري، 6:12). او فرمان يافته كه هرگز اعضاي بدنش را همچون ابزار ناراستي براي گناه تقديم نكند (زمان گذشته، امري، 6:13)، بلكه آنها را يك بار براي هميشه همچون ابزار عدالت به خدا تقديم كند (زمان گذشته، امري، 6:13) و همچون غلامان عدالت كه منتهي به تقدس مي‌گردد (زمان گذشته، امري، 6:19) زندگي كند. موقعيت حاكم و قدرت طبيعت گناه‌آلود او در هم شكسته است. گرچه او بارها به انجام گناه كشيده مي‌شود (روميان 7:14-26)، اما نمي‌تواند و نمي‌خواهد به زندگي كردن در گناه ادامه دهد (روميان فصل 6)! شيطان و دنياي خدانشناس و شرور و طبيعت گناه‌آلودش نمي‌تواند مانع شود كه او اعمال عدالت را انجام دهد و در تقدس رشد كند (6:13،17،19)!
يك مسيحي به‌لحاظ جايگاهش در مسيح، از حالا يك مقدس است. عدالت و تقدس كامل و 100% مسيح از قبل به حساب او گذاشته شده است. او از دنياي خدانشناس و شرور جدا شده و وقف شده تا متعلق به خدا باشد. او به‌لحاظ فرايند رشدش در مسيح، هنوز در افكار و انگيزه‌ها و نگرشها و گفتار و كردارش كاملاً عادل يا مقدس نشده است. فرد مسيحي در جايگاهش در مسيح كاملاً عادل و مقدس است (ر.ش. اول قرنتيان 1:30)، اما در سلوك مسيحي‌اش هنوز كاملاً عادل و مقدس نيست (ر.ش. اول پطرس 1:15-16).

ه) روميان 7:14-26 و روميان 8: 7-8 در تضاد كاملند
شخص فاقد تولد تازه «در جسم» زندگي مي‌كند، يعني اينكه طبيعت تباه‌شده‌اش بر او حكمراني دارد. در نتيجه، با خدا دشمن است، مطيع شريعت خدا نمي‌شود، و نمي‌تواند مطيع شريعت خدا شود (8: 7). در نقطه مقابل آن، ايماندارِ برخوردار از تولد تازه به شريعت خدا خشنود است (7:12،14،22) و تصميم گرفته است كه همچون يك غلام، دائماً خدا را خدمت كند (زمان حال، 7:25)، حتي اگر بارها و بارها خلاف آن را انجام دهد (زمان حال، 7:25)! شخص فاقد تولد تازه از خدا متنفر است (8:ـ 7)، اما فرد ايماندار از شيطان متنفر است و اغلب اينچنين است (7:15)!

سؤال 2. (7:14). تفاوت ميان «در جسم» بودن و «جسماني» بودن چيست؟
يادداشتها.

الف) تمام غيرمسيحيان «در جسم» هستند.
فرد غيرمسيحي فقط داراي يك طبيعت است: طبيعت گناه‌آلود يا تباه‌شده كه بر او مسلط است و او را كنترل مي‌كند. او از روح‌القدس برخوردار نيست و روح‌القدس در او زندگي نمي‌كند (8:ـ 7-10). او گرچه داوطلبانه انتخاب كرده تا بندهٔ طبيعت گناه‌آلود خود باشد (6:16)، اما نمي‌تواند داوطلبانه انتخاب كند كه از طبيعت گناه‌آلود خود آزاد شود. او بدون مقاومت، اعضاي خود را همچون ابزاري در خدمت ناعدالتي و ناپاكي قرار مي‌دهد. او تسليم خدا و ارادهٔ او نمي‌شود. او حتي نمي‌تواند تسليم خدا و ارادهٔ او گردد. او مطلقاً نمي‌تواند خدا را خشنود سازد. بدينسان، «در جسم بودن» فقط به معني نداشتن تولد تازه مي‌باشد.
ب) همهٔ مسيحيان فقط به‌لحاظ طبيعت انساني خود «جسماني» هستند.
مي‌توان گفت كه مسيحيان داراي دو طبيعت مي‌باشند: طبيعت گناه‌آلودش و طبيعت برخوردار از تولد تازه‌اش. طبيعت گناه‌آلود فرد مسيحي، غير روحاني يا جسماني (به يوناني: Sarkinos) خوانده شده است و بطور خاص در مسيحياني ديده مي‌شود كه رشد نكرده‌اند (ر.ش. اول قرنتيان 3:1و3). طبيعت تولد تازه يافتهٔ مسيحيان «ذهن» نيز ناميده شده است (7:23) و به او همچون فردي اشاره مي‌كند كه فكر يا طرز تفكر عيسي مسيح را دارد (ر.ش. اول قرنتيان 2:16). روح‌القدس در او زندگي مي‌كند و بر عليه طبيعت گناه‌آلود او به جنگ مي‌پردازد (ر.ش. غلاطيان 5:17). طبيعت تولد تازه يافتهٔ فرد مسيحي

همان جايگاه عدالت و تقدس او در عيسي مسيح است (ر.ش. 5:ـ 18؛ 6:4-8؛ اول قرنتيان 1:30). واقعيت روح‌القدس است كه در او زيست مي‌كند (ر.ش. مزمور 51:10-11). شريعت روحاني است (به يوناني: pneumatikos)، اما شخص مسيحي جسماني است (بـه يونـاني: sarkinos) ـ (7:14)، امـا فقـط به‌لحاظ طبيعت گناه‌آلودش. بدينسان، طبيعت گناه‌آلود فرد مسيحي در نقطه مقابل شريعت الهي اسـت. شريعت خدا روحاني است، يعني ماهيت خـدا و ارادة او را نمايـان مي‌سـازد كـه مقـدس و عـادل و نيكـو است (7:12). اما طبيعت گناه‌آلود در فرد مسيحي، جسماني اسـت، يعـني نامقـدس و ناعـادل و شـرير. طبيعت گناه‌آلود او اكثراً باعث مي‌شود كه او كارهايي بكند كه از آنها نفرت دارد، و از انجـام كارهـايي كـه دوست دارد، غافل بماند. فرد مسيحي مي‌داند كه در طبيعت گناه‌آلودش هيچ چيز نيكو يا مفيدي نيسـت (7: 18). به اين ترتيب، «جسماني يا غيرروحاني» بودن به اين معني نيست كه شخص تولد تازه ندارد.

ج) همه مسيحيان در آخر تبديل به مقدسيني كاملاً جلال يافته خواهند شد.
پيش از تولد تازه، شخص چيزي جز يك گناهكار نيست (5:ـ 8). پس از تولد تازه، فرد مسيحي تبـديل به گناهكارِ مقدس مي‌گردد (فصل 7 روميان). اما در آينده، به‌هنگام بازگشت مسيح، او تبديل بـه مقـدسِ جلال‌يافته خواهد شد (8:ـ 30؛ اول يوحنا 3:1-3)! به اين ترتيب، در فاصلة زماني ميان تولد تـازه و جلالِ نهايي، هر فرد مسيحي جدالي دائمي را ميـان طـبيعت گنـاه‌آلودش و طـبيعت برخـوردار از تولـد تـازه‌اش تجربه مي‌كند. در اين زندگي، فرد مسيحي يـك جنـگ داخلي متحـرك اسـت (ر.ش. غلاطيـان 5:16-18)! اين واقعيت كه مسيحيان درگير اين نزاع ميان طبيعت‌هاي گناه‌آلود و تولد تازه يافته‌شـان مي‌باشـند، خـود گواهي است بر اينكه تولد تازه را دريافت داشته‌اند.

سؤال 3. (7:14). تفاوت ميان «غلام گناه بودن» و «فروخته شدن به گناه» چيست؟
يادداشتها.

الف) غلامي گناه در طول وضعيت فاقد تولد تازه.
روميان 6:6،16،17 و 19 تعليم مي‌دهد كه همه انسانها پيش از تولد تازه غلام گناه بوده‌اند و گنـاه را همچون غلام خدمت مي‌كردند (زمان گذشته). ايشان همچون مردماني رفتار مي‌كردند كه داوطلبانه خـود را به غلامي گناه فروخته‌اند، گناهي كه در طبيعت گناه‌آلودشان ساكن بـود (ر.ش. اول پادشـاهان 21:20؛ دوم پادشاهان 17:17). گواه اين امـر اين واقعيت اسـت كـه ايشـان در حـالت فاقـد تولـد تـازة خـود، از خواسته‌هاي طبيعت گنـاه‌آلود خـود اطـاعت مي‌كردنـد و اعضـاي بـدن خـود را سـپرده بودنـد تـا ناپـاكي و شرارت روز افزون را خدمت كنند. از آنجا كـه فاقـد تولـد تـازه مي‌باشـند، نمي‌تواننـد خـود را از طـبيعت گناه‌آلود خود آزاد كنند . ايشان خود را تابع خدا و اراده‌اش نمي‌كنند و نمي‌توانند هم چنين كنند. آنـان قـادر نيستند خدا را خشنود سازند (8: 7-8). بدينسان، «غلامي گناه» يعني بسر بردن در حالت فاقد تولد تازه!

ب) فروخته شدن به گناه در طول حالت برخوردار از تولد تازه.
وقتي انسان تبديل به ايماندارِ برخوردار از تولد تازه مي‌شود، يك بار براي هميشه از وضـعيت فـوق يعني غلامي گناه آزاد مي‌شود و غلام خدا مي‌گردد (عملي در گذشته، 6:18،22)! وضعيت غلامي گناه كه در روميان 6:6،16،17،19 ذكر شده، باز نمي‌گردد!
جملة يوناني روميان 7:14 مي‌گويد: «بـه گنـاه فروختـه شـده‌ام» (pepramenos upo ten amartian) ، گذشته نقلي (piprasko و نه « همچون غلام به گناه فروخته شده‌ام». چطور مي‌تـوان چـنين حـالتي را در مورد ايمانداران تصور كرد؟ روميان 7:14-26 به‌خـوبي توسـط بخش مشـابه‌اش در غلاطيـان 5:16-26 تشريح شده است.
غلاطيان 5:16-17 مي‌فرمايد: «به روح رفتار كنيد، پس شهوات جسـم را بـه جـا نخواهيـد آورد. زيـرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسـم؛ و اين دو بـا يكـديگر منازعـه مي‌كننـد بطوري كه آنچه مي‌خواهيد نمي‌كنيد.» كتاب‌مقدس تعليم مي‌دهد كه مسيحيِ برخوردار از تولد تـازه هنـوز كامل نيست. بارها و بارها در درون ايماندار جدالي در جريـان اسـت. او هنـوز در بـدن ضـعيف كنـوني‌اش زندگي مي‌كند كه تابع طبيعت گناه‌آلود مي‌باشد. و اين طبيعت گنـاه‌آلود دائمـاً و چنـان شـديد بـر او حملـه مي‌برد كه هميشه آن كاري را كه آرزوي انجامش را دارد، نمي‌كند. با اينحال، ايماندار از چـيزي برخـوردار است كه شخص بي‌ايمان فاقد آن است و آن همانا روح‌القدس اسـت كـه در او زيسـت مي‌كنـد! شـخص بي‌ايمان هنوز غلام طبيعت گناه‌آلود خويش است و براي مـرگ ثمـر مي‌آورد (ر.ش. غلاطيـان 5:19-21؛ روميان 7:5). ايماندار ديگر غلام طبيعت گناه‌آلود خود نيست، بلكه غلام روح‌القدس است و بـراي او ثمـر مي‌آورد (غلاطيان 5:22-25؛ روميان 7:4). گرچـه طـبيعت گنـاه‌آلود هنـوز در او واقعيـتي نيرومنـد اسـت (روميـان 7:14-26)، شـخص ايمانـدار اين طـبيعت را بـا ثمـراتش مصـلوب سـاخته اسـت (هوس‌هـا و خواهشهاي گناه‌آلود) (غلاطيان 5:24). ايماندار به‌گونه‌اي قطعي با طبيعت گناه‌آلود خود گسسته است. او مي‌خواهد و مي‌تواند حيات جديد خود را در طبيعت برخوردار از تولد تـازة خـود سـپري كنـد، و چـنين نـيز خواهد كرد. يا به‌عبارت ديگر، او داوطلبانه خود را تابع روح‌القـدس مي‌سـازد تـا حيـات نـوين را در او و از طريق او تحقق بخشد. شخص ايماندار در فرايند تمرين آن چيزي است كه در اصـول تبـديل بـه آن شـده است. باز به‌عبارت ديگر، روح‌القدس در فرايند پيـاده كـردنِ عـدالت و تقـدس مسـيح در زنـدگي ايمانـدار است (ر.ش. اول قرنتيان 1:30).

به همان شكل، روميان 7:14 تعليم مي‌دهد كه ايماندار «زير گناه فروخته شده» مي‌باشد (7:14)، يا «اسير طبيعت گناه‌آلود (شريعت گناه) است كه در اعضاي بدن او كـار مي‌كنـد» (7:23). بـه اين تـرتيب، ايماندار اسير منفعلِ نيرويي است كه نسبت به اراده‌اش بيگانه است و نمي‌تواند خود را از آن آزاد سـازد. او تصديق مي‌كند كه طبيعت گناه‌آلودش هنوز واقعيتي حاضر است و هنـوز تـأثير نيرومنـدي بـر او اِعمـال مي‌كند. او بدون اراده تابع عملكرد نيرومند طبيعت گناه‌آلود خـويش مي‌باشـد. دليـل اين امـر اين واقعيت است كه او بارها و بارها كارهايي را انجام مي‌دهد كه مايل بـه انجـامش نيسـت (7:15) و اغلب قـادر بـه انجام كارهايي نيست كه خوبند (7: 18). لذا همانطور كه در غلاطيان 5:17 آمده، ايماندار جدال روحاني و اخلاقي نيرومندي را تجربه مي‌كند كه در اعضاي بدن كنوني‌اش درگير است؛ در اين بدن است كه اميال طبيعت گناه‌آلود با خواستهاي روح‌القدس كه در او زندگي مي‌كند، در مخالفت بسر مي‌برد (7:23).

امـا همـانطور كـه در غلاطيـان 5:22-25 نـيز آمـده، روميـان 8:ـ 12-14 تعليم مي‌دهـد كـه ايمانـدار به‌واسطة روح‌القدس كه در او زندگي مي‌كند، نيازي ندارد كه مطابق طبيعت گناه‌آلود خـود زنـدگي كنـد و مي‌تواند ثمره آن را به مـرگ بسـپارد. ايمانـدار به‌واسـطة قـدرت روح‌القـدس كـه در او زنـدگي مي‌كنـد، مي‌تواند بارها و بارها با طبيعت گناه‌آلود خود مقاومت كند و آنچه را كه واقعاً مايل است، انجام دهد، يعني همان چيزي كه طبق خواست خداست. اما از آنجا كه از طبيعت گناه‌آلود نيز برخوردار اسـت، اغلب قـادر نمي‌گردد كه با تأثير شرارت‌بار طبيعت گناه‌آلود خويش مقاومت كند و نمي‌توانـد آنچـه را كـه واقعـاً مايـل است، انجام دهد. ايماندار گرچه از نظر روحاني و اخلاقي تولد تازه يافته است و تحت سلطه روح‌القدس قرار دارد، اما هنوز از نظر روحاني و اخلاقي تحت تأثير طبيعت گناه‌آلود خويش نـيز قـرار دارد. تـا زمـاني كه او در اين بدن جسماني كنوني خود زندگي مي‌كند، طبيعت گناه‌آلودش نيز حاضر خواهـد بـود و سـلطة روح‌القدس در او تمام و كمال نخواهد بود.

سؤال 4. (7:24). تفاوت ميان «جسم گناه» و «جسم مرگ» چيست؟
يادداشتها.

پولس رسول از چهار اصطلاح مربوط به بدن اسـتفاده مي‌كنـد: در روميـان 6:6 او از «جسـد گنـاه» سخن مي‌گويد. در روميان 7:24 از «جسم موت»، و در فيليپيان 3:21 از «جسد ذليل» و «جسد مجيد». گرچه ميان اين اصطلاحات ارتباطي وجود دارد، اما تفاوت‌هايي نيز ميان آنها هست.

الف) جسد گناه در روميان 6:6.

جسد گناه همان بدن فيزيكيِ فرد فاقد تولد تازه مي‌باشد. آن بدن فيزيكي فرد غيرمسيحي اسـت كـه طبيعت تباه يا گناه‌آلودش در آن ساكن است و آن را تحت كنترل و سلطة خود دارد؛ اين بدن داوطلبانـه و بطور غيرقابل مقـاومت، همچـون غلام، در خـدمت ناپـاكي و شـرارت روزافـزون اسـت. وقـتي شخصـي مسيحي مي‌شود، از اين «جسد گناه» آزاد مي‌شود (6:6،18،22). امـا بـدن جسـماني‌اش هنـوز «جسـم موت» و «جسد ذليل» باقي مي‌ماند.

ب) جسم موت در روميان 7:24

«جسم موت» همان بدن فيزيكيِ مسيحيِ برخوردار از تولد تازه است. اين بدن فيزيكي فرد مسيحي اسـت كـه هنـوز تحت سـكونت طـبيعت گنـاه‌آلود قـرار دارد ولي اكنـون طـبيعت برخـوردار از تولـد تـازه (روح‌القدس) نيز در آن ساكن است. اين همان بدن فيزيكي مسيحيان است كه اغلب بطـور غـير ارادي و غير قابل مقاومت هنوز گناه را خدمت مي‌كند. در نتيجه، طـبيعت گنـاه‌آلود يـا تباه‌شـده ("شـريعت گنـاه"، 7:21،23)، كه در جان و بدن فرد مسيحي ساكن است، هنوز بـه توليـد مـرگ روحـاني و خصوصـاً مـرگ جسماني ادامه مي‌دهد. از اينرو است كه «جسد موت» ناميده شده است.

ج) جسد ذليل در فيليپيان 3:21.

«جسد ذليل» همان بدن فيزيكي فرد مسيحي است. آن همان بدن فـيزيكي فـرد مسـيحي اسـت كـه هنوز تابع مرگ جسماني و فيزيكي است. معناي آن همان «جسد موت» است.

د) جسد مجيد در فيليپيان 3:21.

«جسد مجيد» همان بدن فيزيكي فرد مسـيحي بعـد از قيـامش از مردگـان مي‌باشـد. عيسـي مسـيح فقط به‌هنگام بازگشت خود، از قدرت مطلق خود براي تبديل «جسـد ذليل» بـه «جسـد مجيـد» اسـتفاده خواهد كرد، بدني كه شبيه بدن فيزيكيِ قيام‌كردة عيسي مسيح خواهد بود!

گام 4: كاربرد

ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت كـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌كـار ببرند؟

در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميـان 7:14-25 فهرسـتي از كاربردهـاي احتمـالي تهيه كنيم.

ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟

يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيد كاربرد شخصي‌تان را با ديگران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي را براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلاً فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
- 7:14؛ مطالعة احكام اخلاقي خدا، زيرا طبيعت و ماهيت خدا را در شكل احكام متجلي مي‌سازد. اين احكام روحاني هستند يعني مقدس و عادل و نيكو مي‌باشند.
- 7:15،23؛ وقتي جدالي دائمي را ميان طبيعت گناه‌آلود و طبيعت برخوردار از تولد تازه خود تجربه مي‌كنيد، نوميد نشويد. اين گواهي است بر اينكه تولد تازه يافته‌ايد.
- 7:18؛ متوجه اين امر باشيد كه در طبيعت گناه‌آلود شما هيچ چيز نيكويي وجود ندارد. بنابراين، هيچگاه با طبيعت گناه‌آلود خود به آزمايش نپردازيد.
- 7:24؛ كاملاً يقين بداريد كه فقط عيسي مسيح به‌واسطة روح‌القدسِ ساكن در بدن شما است كه مي‌تواند شما را بارها و بارها از سلطة طبيعت گناه‌آلودتان رهايي دهد.

كاربردهاي شخصي
- تصديق مي‌كنم كه عملكرد نيرومند طبيعت گناه‌آلودم سبب مي‌شود كه كارهايي را بكنم كه مورد نفرتم مي‌باشد، و كارهايي را كه دوست دارد، انجام ندهم. بااينحال، مي‌خواهم مسؤوليت كامل گناهاني را كه مرتكب مي‌شوم، به عهده بگيرم. من متوجه هستم كه طبيعت گناه‌آلودم فراسوي توان من است و فراسوي قدرت احكام خدا براي كنترل كردن يا نابود ساختن آن مي‌باشد. بنابراين، يقين دارم كه طبيعت گناه‌آلود من كاملاً تباه است و من به اعتراف به گناهانم و توبه از آنها ادامه خواهم داد.
2- تصديق مي‌كنم كه در وجود خود اغلب احساس ناتواني در زمينه مقاومت يا نابود ساختن طبيعت گناه‌آلودم مي‌كنم. بنابراين، مانند پولس، براي رهايي از قدرت طبيعت گناه‌آلودم به چيزي بيرون از خودم چشم مي‌دوزم. تصديق مي‌كنم كه به همان اندازه كه به عيسي مسيح براي عادل ساختنم نياز دارم، به عيسي مسيح براي تقديسم نيازمندم! فقط فيض خدا از طريق عيسي مسيح است كه مرا در زمان حال از سلطة مطلق طبيعت گناه‌آلودم رهايي مي‌دهد، و در آينده نيز مرا از طبيعت گناه‌آلودم بطور كامل رهايي خواهد داد.

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 7:14-25 به ما آموخته است، دعا كنيم.
(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، در بارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)
شفاعت
به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 7:14-25» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از امثال 1، 3، 4، 5 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: عظمت خدا 5. خدا قادر مطلق است: ارميا 32:17ـ 5 آيه حفظي آخر را هر روز تكرار كنيد.
- آمادگي: مَثَل دوستي كه شفاعت مي‌كرد در لوقا 11:5-13 و مثل بيوه‌زن مُصِرّ در لوقا 18: 1-8. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.